

## بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن

دکتر وجیهه ترکمانی<sup>۱</sup>، سمانه نیرومند<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران  
<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

نویسنده مسئول: torkamani.vajih@ gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸

### چکیده

داستان سیاوش، از جمله داستان‌های برجسته و پرآوازه شاهنامه بی‌بدیل حکیم فردوسی است. این داستان ارجمند و نیز شخصیت سیاوش از دیر باز تاکنون از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی و واکاوی محققان و شاهنامه پژوهان قرار گرفته است. در جستار پیش‌رو شخصیت سیاوش، با روش توصیفی-تحلیلی، با تمرکز بر نظریه مثبت‌اندیشی مارتین سلیگمن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش شخصیت سیاوش و اعمال و گفتار و تفکرات وی با تکیه بر فضائل شش‌گانه مطرح در نظریه سلیگمن (خرد، شجاعت، انسانیت، عدالت، اعتدال و تعالی) بررسی گردیده، با بیت‌های روایت‌گر رفتار و گفتار سیاوش تطبیق داده شده است. نتیجه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سیاوش از همه فضایل شش‌گانه مذکور، به خوبی برخوردار است. با این همه فضایل اخلاقی سیاوش مانع رخداد تراژدی در زندگی وی نمی‌گردد و سرانجام سیاوش با وجود آن همه مثبت‌اندیشی و آراستگی به انواع فضایل اخلاقی، به مرگی جان‌سوز و دل‌خراش در اوج جوانی روی در نقاب خاک می‌کشد.

کلیدواژه: سیاوش، سلیگمن، مثبت‌اندیشی، خرد، شجاعت.

### مقدمه

«نوع تفکر و اندیشه، یکی از مسائلی است که بر زندگی و محیط اطراف فرد تأثیر مستقیم دارد. بنا بر علم روان‌شناسی، تفکر مثبت و خوش‌بینی بر کیفیت زندگی انسان مؤثر است. خوش‌بینی تنها مثبت بودن سطحی نیست بلکه افراد خوش‌بین مشکل‌گشایند و نقشه‌هایی برای فعالیت طراحی می‌کنند و سپس طبق آن عمل می‌کنند که این خود موجب می‌شود فرد در حل مسائل و مشکلات حالت انفعالی به خود نگیرد و نسبت به دیگران نگرش مثبت بیشتری داشته باشد» (پترسون، ۲۰۰۰: ۴۹). «روان‌شناسی مثبت با غلبه کردن بر احساسات منفی و تغییر دادن آن‌ها و با بهبود عواطف مثبت و معنابخشی به زندگی، مشکلات روحی افراد را کاهش می‌دهد و بهزیستی افراد را ارتقا می‌بخشد» (گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۲). زندگی برای افراد خوش‌بین و بدبین، ناملازمات و مشکلات مشابهی ایجاد می‌کند، اما افراد خوش‌بین با ناملازمات برخورد بهتری دارند (سلیگمن، ۱۳۹۵: ۳۴۹). افراد خوش‌بین پس از ناکامی به حالت عادی برمی‌گردند و دوباره از نو آغاز می‌کنند (سلیگمن، ۱۳۹۲: ۳۳۱). شاهنامه اثر سترگ فردوسی مظهر شکوه و رونق و فرهنگ تمدن ایران است. شاهنامه تنها یک اثر حماسی و نقلی و روایی نیست، بلکه ابعاد تراژیک برخی از داستان‌های آن نیز قابل تأمل است (عقدایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). تراژدی در فضایی سرشار از هم‌دردی و هراس که حاصل آن پالایش روح و تزکیه نفس است به انجام می‌رسد (بازرگان، بی‌تا: ۴۰). در تراژدی که تقدیر و سرنوشت محتوم جزء لاینفک آن است، قهرمانان بزرگی ایفای نقش می‌کنند که نیرویی فوق بشری همچون تقدیر آنان را با آن همه عظمت در تنگنا قرار می‌دهد. این قهرمانان، بی‌توجه به سرنوشت مقدر و بدون هراس از ناکامی و مرگ، خود را زنده‌ای جاوید می‌پندارند و تا آخرین لحظه زندگی با اهریمن مقابله می‌کنند. آن‌چه مسلم، این است که تقدیر به رفتار آنان سمت و سو می‌دهد تا جایی‌که آنان را در دام خود اسیر کرده و به کام مرگ می‌کشاند چرا که راهی برای فرار از سرنوشت محتوم وجود ندارد. از زمره داستان‌های تراژیک شاهنامه و قهرمانانی که وصف آنان در سطور بالا گذشت، می‌توان از داستان سیاوش و قهرمان آزاده آن نام برد که محور بحث ما در این نوشتار است. درون‌مایه داستان سیاوش، شرح مظلومیت او و از دیدگاهی دیگر تقدیر است و مضمون آن دل‌ن سپردن به دنیا، شادکامی و استفاده از فرصت‌ها، تسلیم در برابر تقدیر و وارونگی دنیا است (انصاری، ۱۳۸۶: ۸۸). سراینده شاهنامه از سیاوش شخصیتی ساخته که بیش از توجه به دنیای بیرون به دنیای درون که انسانیت و آزادی در آن حرف اول را می‌زند توجه می‌کند (نصراللهی، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

«سیاوش نمادی است از انسان با اخلاق و کمال طلب. نفس در وجودش اسیر گشته و حاضر نیست پاکی و نیک جانی را به هیچ بهایی هدر بدهد» (اشرف زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۲). در ضمیر سیاوش نیکی‌ها متبلور شده و روح ملکوتی وی جسم زمینی او را به عرش اعلی متصل کرده است. با وجود این فضایل او به جبر سرنوشت مبتلا است (مهرکی، ۱۳۹۰: ۴۴). این نوشتار، تلاشی مبنی بر آن است، که شخصیت سیاوش و گفتار و اعمال او را از منظر علم روان‌شناسی مثبت‌گرا مورد بررسی قرار دهیم و با تحلیل یافته‌های خود و با نگاه آماری اطلاعات به دست آمده را در قالب نمودار ارائه کنیم.

## بیان مساله

روان‌شناسی مثبت‌گرا با نگاهی خوش‌بینانه به طبیعت انسان در صدد رشد فضایل و توان‌مندی‌های انسانی است و می‌کوشد با مطالعه رفتار انسان، پیچیدگی‌های آن را با روش علمی سازگار کند. جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر برای کمک به مردم جهت بهینه‌سازی کیفیت زندگی از طریق ارتقای شادمانی ذهنی تبلور یافته است (حسینایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱). روان‌شناسی مثبت‌نگر در جستجوی زندگی خوب و در پی مطالعه علمی عمل‌کرد انسان آرمانی است. علمی که به جای توجه به ضعف‌ها و ناتوان‌مندی‌های انسان، بر نقاط قوت و توان‌مندی‌های او از قبیل شجاعت، قدرشناسی، امیدواری، شادزیستن، سلامت روانی، لذت بردن، خوش‌بینی، رضامندی، سعادت و ... توجه می‌کند. روان‌شناسی مثبت‌گرا در مقابل (DSM) که نظام طبقه‌بندی اختلالات روان‌شناختی بیماران است، نظام طبقه‌بندی دیگری به نام (CSV) مطرح کرد که بر توان‌مندی‌های انسان متمرکز است. پژوهش‌گران روان‌شناسی مثبت‌گرا توان‌مندی‌های انسان را در شش گروه: خرد و دانایی؛ شجاعت؛ نوع‌دوستی؛ عدالت‌طلبی؛ اعتدال و تعالی با عنوان فضیلت‌های همه جا حاضر، طبقه‌بندی می‌کنند و برای هر کدام قابلیت‌هایی (در مجموع بیست و چهار قابلیت) برمی‌شمارند (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۳۸). شایان ذکر است که مفاهیمی چون خردورزی، عدالت، شجاعت، شادی، امید، خوش‌بینی، رضایت، نوع‌دوستی، سعادت، عشق، مدارا و ... که امروزه در نظریه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر غرب می‌بینیم، مفاهیم و اصطلاحات یا پدیده‌های جدیدی نیستند که در قلمرو دانش ادبیات یا روان‌شناسی و حتی فلسفه مطرح می‌شوند، بلکه این مفاهیم قرن‌ها پیش در اندیشه بشر مطرح بوده و در سخنان حکیمان بزرگان و اشعار شاعران گذشته به شیواترین شکل بیان شده و انسان در زندگی خود همواره در پی آن بوده است. چنان‌که ارسطو خوب زندگی کردن را در شادکامی، نیکی کردن و خوب بودن در زندگی می‌دانست (هفرون، ۲۰۱۱: ۱۸) و رهیافت شادکامی در زندگی، که سلیگمن ارائه می‌دهد به مفهوم «اودایمونیا»ی ارسطو شباهت بسیار دارد (Csikszentmihalyi and, Seligman, ۲۰۰۰: ۵۵). «اودایمونیا» هدف نهایی و اساسی زندگی انسان است که همان امید و شکوفایی باشد (لوپز، ۲۰۰۹: ۳۵۲). اصل شادی و شکوفایی و امید را در بسیاری از سخنان حکیمان فرزندان ایران می‌توان دید (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۳۹). در آثار ادبی ایران نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که با نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن قابل مطابقت باشد. سیاوش که محور بحث در این نوشتار است، شخصیتی متعالی و خردمند و فرهیخته دارد. او فردی خیرخواه و نیک‌اندیش است. از پلیدی و ناپاکی گریزان است و با تکیه بر نیروی ایمان و خرد و تدبیر در صدد آن است که با خویشنداری از هر وسوسه و ناپاکی فاصله گیرد. وی نمونه انسانی خودساخته و وارسته است که یوسف‌وار در برابر وسوسه‌های شیطانی زلیخاوار سودابه مقاومت می‌کند و با عزم راسخ و به دور از هر کینه و تنشی به دنبال رفع مشکل و ایجاد محیطی امن و سرشار از آرامش است. بررسی و تحلیل داستان سیاوش، گفتار و کردار وی از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر سلیگمن و با تأکید بر شش فضیلت و قابلیت‌های مربوط به هر فضیلت، مسئله این پژوهش است.

## پیشینه تحقیق

در زمینه شاهنامه و به ویژه داستان سیاوش و خاصه شخصیت سیاوش در مقوله‌های مختلف تحقیقات فراوانی صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده است که از میان آن‌ها به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. کتاب "سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)" اثر شاهرخ مسکوب که به سال ۱۳۵۰، تهران، انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است. این کتاب شامل سه فصل غروب، شب و طلوع و درباره حکایت مرگ سیاوش و برآمدن پسرش کیخسرو و برقراری نیکی در ایران است. این کتاب خوانشی امروزی از مرگ سیاوش است و در آن نویسنده نکات خردمندان‌های از شاهنامه را گوش‌زد می‌کند.
  ۲. مقاله "اسطوره سیاوش در شعر معاصر فارسی" که به کوشش دکتر رضا اشرف‌زاده و دکتر حمیدرضا نویدی‌مهر، که در فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. نویسنده در این نوشتار، با نگرشی تحلیلی، به تبیین جایگاه و کارکرد اسطوره سیاوش در شعر معاصر پرداخته است.
  ۳. مقاله "تحلیل روان‌شناختی - سیاسی داستان سیاوش" به قلم جهانگیر صفری و همکاران که در کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳ در صفحات ۷۱-۱۰۷ به چاپ رسیده است. نویسنده این مقاله به بررسی نقش سیاست و قدرت‌خواهی در داستان سیاوش با تکیه بر روان‌شناسی شخصیت پرداخته است.
- افزون بر آثار فوق، در زمینه پژوهش و بررسی متون ادبی زبان فارسی با تأکید بر نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن نیز به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. مقاله "شاعر نیشابوری و مثبت نگری" در فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی از خانم سوسن نظری که در تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۹ و صفحات ۸-۱ به چاپ رسیده است. نویسنده این مقاله با خوانشی نو در رباعیات خیام، مولفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر را در رباعیات خیام یافته و با تجزیه و تحلیل آن‌ها توجه پژوهش‌گران را به این منبع غنی ادبیات فارسی جلب کرده است.

۲. مقاله "تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی" نوشته پروین گلی‌زاده که در مجله پژوهش‌های ادب عرفانی سال ۱۳۹۵ از صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۸ به چاپ رسیده است. نویسنده مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت و تطبیق آن را با آرای مولانا به ویژه در مثنوی معنوی بررسی کرده است و گامی در مسیر تبیین اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های دو مقوله روان‌شناسی و ادبیات گذاشته است.

۳. مقاله "نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن" نوشته منصور پیرانی که در مجله هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، اسفند ۱۳۹۲ و صفحات ۳۳۸ الی ۳۵۶ به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله با بررسی دیوان حافظ از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا به استخراج ابیات و تحلیل آن‌ها بر اساس فضیلت‌های خرد و دانایی و تعالی و چهار قابلیت شادی، امید، رضایت‌مندی و سعادت پرداخته است. گفتنی است که در خصوص بررسی شخصیت سیاوش و اعمال و گفتار وی بر اساس نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن، تاکنون تحقیق یا پژوهشی انجام نگرفته که این کار در جای خود با نوآوری همراه است.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار توصیفی-تحلیلی است. برای این منظور ابتدا تمام بیت‌های مربوط به اعمال و گفتار سیاوش در داستان سیاوش با دقت استخراج گردید و سپس همه بیت‌ها با فضیلت‌های شش‌گانه و قابلیت‌های مطرح شده در نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن مورد تطبیق قرار گرفتند و در ادامه نتایج به همراه نمودار ارائه گردید.

### معرفی روان‌شناسی مثبت‌نگر سلیگمن و اصول بنیادی آن

روان‌شناسی مثبت، رویکرد نوینی در حوزه علم روان‌شناسی است که در سال‌های اخیر گسترش یافته است. مولفه‌های روان‌شناسی مثبت، خوش‌بینی، هوش عاطفی، اشتیاق، فضایل، توان‌مندی شخصی، شادمانی و امیدواری و هدف آن کمک به افراد در جهت آگاهی از خود و دیگران، مهارت بین فردی و کارایی شخصی است و باعث کاسته شدن سلطه‌جویی و تعصب می‌شود. روان‌شناسی مثبت‌گرا در سال ۱۹۹۸ توسط مارتین سلیگمن و در زمان ریاست انجمن روان‌شناسی آمریکا انتخاب شد. سلیگمن و همکارانش با استفاده از روش علمی و طبقه‌بندی مفاهیم توانستند مجموعه کاملی از مفاهیمی چون خردورزی، عدالت، شجاعت، شادی، امید، خوش‌بینی، رضایت، نوع دوستی، سعادت، عشق، مدارا و... را در یک مکتب جدید فکری با عنوان رویکرد مثبت‌نگر معرفی نمایند (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۰-۲۹۱). مثبت‌نگری همان تصورات درست و خوب است که در ذهن داریم و جاذب انرژی مثبت در زندگی می‌شود. این دیدگاه به علت جایگاه مهمی که دارد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی محسوب می‌شود. مثبت‌نگری را می‌توان، استفاده کردن از تمامی ظرفیت‌های ذهنی مثبت، نشاط انگیز و امیدوار کننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساس‌های یأس‌آور ناشی از دشواری ارتباط با انسان‌ها و رویارویی با طبیعت دانست. سلیگمن درباره هدف این نوع روان‌شناسی می‌گوید: «فهم، درک و شفاف سازی شادمانی و احساس ذهنی به‌زیستی، موضوع محوری روان‌شناسی مثبت‌نگر است» (سلیگمن، ۱۳۷۹: ۱۴)؛ بنابراین، هدف اصلی روان‌شناسی مثبت‌نگر، فراهم کردن زندگی شاد و سلامتی روحی و جسمانی برای افراد است. «روان‌شناسی مثبت بر این باور بنا نهاده شده است که مردم خواهان زندگی معنادار و هدفمند هستند و باید به افراد کمک می‌کرد تا زندگی، عشق و کار خود را بهبود بخشند. یکی از حیثه‌های روان‌شناسی مثبت عبارت است از: احساسات مثبت که دست‌یابی به آن موجب شادزیستی در زمان حال و امید به آینده است (Donaldson & etal, 2015). روان‌شناسی مثبت سه حوزه اصلی دارد: ۱- هیجانات مثبت ۲- خصیصه‌های مثبت ۳- نهادها و سازمان‌های مثبت. هیجانات مثبت شامل مطالعه درباره به‌زیستی، رضایت، خرسندی از گذشته، سالم و شادبودن در حال حاضر و امید و خوش‌بینی برای آینده است. خصیصه‌های مثبت افراد شامل مطالعه توان‌مندی‌ها و فضیلت‌ها مانند استعداد عشق، رحم و شفقت، خلاقیت، خودکنترلی و... است. فهم و درک سازمان و نهاد‌های مثبت مستلزم بررسی توان‌مندی‌ها و ویژگی‌هایی است که برای پرورش و گسترش جامعه بهتر لازم است؛ مانند عدالت، مسئولیت‌پذیری، نزاکت و ادب اجتماعی، وجدان کاری و بردباری؛ یعنی ایجاد سازمان‌های مدنی که افراد را به سمت شهروندی‌های ایده‌آل هدایت می‌کند» (قاسمی و قریشیان، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱). آن کار به نقل از سلیگمن، هیجان‌های مثبت را این‌گونه معرفی می‌کند: «سلیگمن در کتاب خود با عنوان شادمانی اصیل، هیجان‌های مثبت را در سه مقوله: آن‌هایی که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند، طبقه‌بندی می‌کند. هیجان‌های مثبت مرتبط با آینده، خوش‌بینی، امید، اعتماد، ایمان و اعتقاد را شامل می‌شوند. رضامندی، خشنودی، تحقق، غرور، آرامش خاطر هیجان‌های مثبت عمده‌ای هستند که با گذشته پیوند دارند. در ارتباط با هیجان‌های مثبت حال دو طبقه متمایز وجود دارد: لذت‌های آنی و رضامندی‌های پایدار. لذت‌های آنی، لذت‌های جسمانی هستند که از طریق حواس حاصل می‌شوند. احساس‌هایی که از امر جنسی، عطرها و چاشنی‌های خوش‌مزه بروز می‌کنند در این مقوله است. لذت‌های عالی‌تر از فعالیت‌های پیچیده‌تر به‌دست می‌آیند و احساس‌هایی مانند سعادت، شغف، راحتی، سرخوشی و شادمانی را شامل می‌شود» (کار،

۱۳۸۵: ۲۸۸) به نقل از: (گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۰۴). «افراد شادکام، نگرش خوش‌بینانه‌ای نسبت به وقایع و رویدادهای اطراف خود دارند و به جای جبهه‌گیری منفی نسبت به اتفاقات پیرامون خود، سعی در استفاده بهتر از این رویدادها دارند. هدف روان‌شناسی مثبت‌نگر عمیق‌تر کردن فهم مردم نسبت به شادی، کام‌روایی، رضایت‌مندی، بازآفرینی، تعهد، پرهیزکاری و ارزش و معنا بخشیدن به زندگی انسان می‌باشد (Csikszentmihalyi, 2000: 55). برای رسیدن به هدف‌مندی، معنا در زندگی و خوش‌بینی، پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) پیشنهاد می‌کنند که مردم نیازمند کار رشد یافته، ارتباط‌های اجتماعی گسترده و فعالیت‌هایی که باعث نیرومندی و گسترش فضایل کلیدی می‌شوند هستند. سلیگمن و همکارانش آن فضیلت‌های کلیدی را در شش حیطه خرد و دانش، شجاعت، رأفت و عشق، عدالت، میانه روی و تعالی با قابلیت‌های بیست و چهارگانه ارائه کرده‌اند (سلیگمن، ۱۳۸۸، ۱۷۲) که با توجه به تاریخ جهانی، مذاهب، فرهنگ‌ها و مکتب‌های فلسفی بزرگ تدوین گشته است. سلیگمن از قول بنجامین فرانکلین می‌نویسد «در مطالعات خود در باب تعداد فضایل اخلاقی با فهرست‌های کوتاه و بلند مختلفی روبرو شده‌ام و دلیل این تفاوت این بوده است که نویسندگان مختلف ایده‌های بیشتر یا کمتری تحت یک عنوان واحد بیان کرده‌اند». به نظر می‌آید مقصود فرانکلین این باشد که فضایل اخلاقی در جوامع انسانی بسیار بیشتر از آن است که اینجا ذکر می‌گردد (بیش از دویست فضیلت)، لیکن در جستجوی میان فرهنگ‌ها معلوم شد که بسیاری از این فضایل مشابه و یا تکراری و با عنوان دیگری مطرح شده است و ما مجموع آن فضایل را در این شش فضیلت جمع دیدیم» (همان: ۱۷۲).

### بحث و بررسی

#### نمود مثبت‌گرایی در شخصیت سیاوش

در این نوشتار به معرفی و بررسی فضایل شش‌گانه نظریه سلیگمن و قابلیت‌های ارایه شده برای هر کدام از آن‌ها در شخصیت سیاوش می‌پردازیم و پس از تحلیل یافته‌ها با نگاه آماری، نتایج حاصل را در قالب نمودار ارائه می‌کنیم. پر واضح است که فضای حزن‌انگیز تراژدی و دست تقدیر ورای این تفکرات، سرنوشت سیاوش را طوری رقم زد که با وجود نگرش مثبت و ویژگی‌های والای یک انسان آزاده نتوانست به آن‌چه که مطلوب خود بود برسد. لازم به ذکر است که در پایان بحث از فضایل شش‌گانه در ارجاعات ابیات، ابتدا شماره ابیات ذکر شده سپس شماره صفحات داخل کمانک درج شده است.

#### خرد و دانایی

کرامر (۲۰۰۰) یادآور شد که: "خرد، شامل دانش وسیع و عمیق درباره شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکرانه درباره کاربرد این دانش است". بر اساس پژوهش‌های موسسه ماکس پلانک برلین، خرد: " قضاوت و توصیه خوب درباره مسائل مهم اما نامعلوم زندگی است" (بالسترو اسمیت، ۱۹۹۰). اریکسون (۱۹۵۹) عقیده دارد که خرد پیام‌گذار موفقیت‌آمیز از آخرین مرحله روانی-اجتماعی بزرگ‌سالی (تمامیت فردی در برابر ناامیدی) است. بنابراین این فضیلت به عنوان دانشی معرفی می‌شود که برای به‌دست آوردن آن به سختی تقلا و تلاش و سپس از آن برای به‌دست آوردن چیزهای پسندیده و نیکو استفاده می‌شود. خرد نوعی هوش ناب و اصیل است که در حضور آن هیچ‌کس رنجیده و دلخور نیست و همه سپاس‌گزارند. توان‌مندی‌هایی که خرد را نشان می‌دهد، آن‌هایی هستند که شامل فراگیری و استفاده از دانش در امور انسانی باشند، مانند: خلاقیت، کنجکاوی، قضاوت و آینده‌نگری (اسماعیلی، یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴-۱۵۵). از قابلیت‌های ارایه شده برای این مقوله می‌توان از این موارد نام برد: کنجکاوی (رغبت، جستجوی نوآورانه، گشادگی نسبت به تجارب)، تمایل به یادگیری (تسلط در مهارت‌های جدید یا نمونه‌ها)، قضاوت (باز بودن ذهن، تفکر انتقادی)، ابتکار (حقیقت‌طلبی، صداقت)، هوش اجتماعی (هوش هیجانی، هوش شخصی)، دیدگاه (خردمندی). (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۰) در شرع مقدس اسلام خرد و دانایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. «اول ما خلق الله العقل» این نشان‌گر آن است که بنیان آفرینش بر عقل استوار است. قهرمانان شاهنامه نمونه انسان کامل و آزاده هستند و از برجسته‌ترین ویژگی‌های آنان خردورزی‌شان است. در داستان سیاوش نیز خردورزی و تدبیر در عواقب امور یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سیاوش است (فولادی، بی‌تا: ۱۲۸). در شاهنامه، پهلوانان نه فقط شجاع و دلیرند، بلکه از هوش و خرد و فرهنگ نیز، بسیار بهره‌ورند. تنها سینه‌شان فراخ و بازویشان سبتر نیست، روح و اندیشه‌شان نیز قوی است (یوسفی، ۱۳۷۲: ۶۹). در شاهنامه خرد برترین هدیه خدا و بزرگ‌ترین فضیلت آدمی است. در سراسر کتاب، شاعر خرد را موهبت نخستین می‌داند. هرچند بزرگی یلان کتاب او تنها از خردمندی نیست ولی در سیاوش و کیخسرو مقدس بی‌گمان خرد پادشاه است. خرد هرکس به روان اوست و روان سیاوش چنان است که گویی خود پرورنده و افزاینده خرد است (مسکوب، ۱۳۷۵: ۵۶-۵۷). با اینکه در رفتار سیاوش شاهد روحیه تسلیم هستیم اما او به مثابه شاهزاده خردمندی است که تابع عقل استوار خویش است. او هرگز عقل را فدای احساس نمی‌کند. از نشانه‌های بارز خردمندی وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ترک دربار، گرفتن گروگان از افراسیاب، انتخاب توران برای ادامه زندگی و ازدواج با جریره و فرنگیس. "جالب‌ترین تجلی‌گاه خرد سیاوش در پیش‌گویی‌های اوست. این ویژگی او را از مرحله آدمیان خاکی می‌گذراند و به برگزیدگان ایزدی همانند می‌کند. (راشد محصل، بی‌تا: ۲۲۲) سیاوش، قهرمان اساطیری داستان‌های شاهنامه، انسانی خردمند و آزاده و فارغ از قید و بند لذات ناپایدار دنیوی است. خصوصیتی مانند تردید داشتن پیش از انجام کار، اندیشیدن پیش از عمل، فرورفتن در خود و برخورد محتاطانه با افراد و اوضاع، جزو صفات بارز سیاوش است. هنگامی که کاووس از او می‌خواهد تا به حرم‌سرا برود و با خواهران خویش و پوشیدگان حرم شاهی دیداری داشته باشد، او در پاسخ به پدر بسیار درنگ می‌کند و با دقت جوانب این پیشنهاد را بررسی می‌کند.

سیاوش چو بشنید گفتار شاه	همی کرد خیره بدو در نگاه
زمانی همی با دل اندیشه کرد	بکوشید تا دل بشوید ز گرد
گمانی چنان برد کورا پدر	پژوهد همی تا چه دارد به سر
که بسیار دانست و چیره‌زبان	هشیوار و بینادل و بدگمان
اگر من شوم در شبستان اوی	ز سوداوه یابم بسی گفت‌وگوی

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۱۳)

از این بیت‌ها چنین برداشت می‌شود که سیاوش با بدگمانی به پدر و پیش‌نهاد او می‌نگرد و نیز او در پاسخ سودابه که از او می‌خواهد، از میان دختران حرم‌سرا یکی را برای پیوند برگزیند، خاموش می‌ماند و به درون خود رجوع می‌کند:

سیاوش فروماند و پاسخ نداد	چنین آمدش بر دل پاک یاد
که گر بر دل پاک شیون کنم	به آید که از دشمنان زن کنم

(همان: ۲۲۰)

بار دیگر، هنگامی که سودابه از سیاوش می‌خواهد که با یکی از دختران او ازدواج کند، سیاوش باز برای اندیشه به درون خویش پناه می‌برد و پس از مدت‌ها تامل، زبان به سخن می‌گشاید:

مرا دور دارد گیـهـان خدیو	چنین گفت با دل که از راه دیو
نه با اهرمن آشنایی کنم	نه من با پدر بی‌وفایی کنم
بجوشد دلش، گرم گردد زخشم	و گر سرد گویم بدین شوخ‌چشم
بدو بگرود شهریار جهان	یکی جادوی سازد اندر نهان
سخن گویم و دارمش چرب و گرم	همان به که با او به آوای نرم
که اندر جهان خود تو را نیست جفت	سیاوخش از آن پس به سوداوه گفت

(همان: ۲۲۱)

این ابیات نیز پای‌بندی سیاوش به موازین اخلاقی و بی‌زاری او از بدعهدی و خیانت را نشان می‌دهد. در داستان سیاوش هر جا که به نام این انسان آزاده برمی‌خوریم و اعمال و گفتار او را بررسی می‌کنیم در همه حال دانایی و خردورزی و ابتکار و کنجکاو و حقیقت‌طلبی در اعمال و گفتار وی موج می‌زند. او هنگام مواجهه با هر مشکلی سعی بر این دارد تا با دقت و تفکر، بهترین راه را برگزیند و به آن جامه عمل بپوشاند. او انسانی خیرخواه است و در رسیدن به خواسته‌های خود کاملاً محتاط است و در چاره‌جویی‌های خود برای رفع موانع در پی انتخاب راهی است که همگان از آن منتفع شوند و کسی را گزند نرسد. او با عمل به نیکی در بدی اثر کرد. و اگر توانست این دو را باز شناسد از آن بود که خردمند بود. چون در این دوران آمیختگی، گیتی سرشار از راستی و دروغ است، پس آگاهی از این دو نخستین کار روان آدمی است. و آن موهبتی است که نیک و بد را از هم باز می‌شناسد، آن که چشم جان است خرد نام دارد (مسکوب، ۱۳۷۵: ۵۶). سیاوش از دانش بسی بهره‌مند است و بیهودگی کار را می‌بیند. در او دانایی ناتوانایی است. بخت بد خود را نمی‌خواهد اما ناچار می‌پذیرد. میان آرزوی او و اراده جهان تناقضی سخت و شکافنده است. او می‌خواهد زنده بماند و چرخ یا کردگار می‌خواهند تباهاش کنند (همان: ۶۰).

به‌دست بدان کرد خواهد تباها  
مرا چرخ گردنده گر بی‌گناه

که با کردگار جهان جنگ نیست  
به‌مردی مرا زور و آهنگ نیست

(همان: ۳۴۹)

ابیات زیر مهر تایید دیگری بر خردمندی و خردورزی سیاوش است: ۱۵۵-۱۶۲ (۲۱۳) / ۲۰۱ (۲۱۶) / ۲۳۹-۲۳۸ (۲۱۸) / ۳۷۴ (۲۲۷) / ۵۷۷-  
۵۸۲ (۲۴۱) / ۶۵۶ (۲۴۵) / ۸۴۰-۸۴۲ (۲۵۷) / ۸۵۰ (۲۵۸) / ۸۵۳-۸۵۴ (۲۵۸) / ۸۸۶-۸۸۸ (۲۶۰) / ۱۱۸۸-۱۱۹۱ (۲۸۰) / ۱۴۵۳ (۲۹۸) / ۱۴۵۷-  
۱۴۵۸ (۲۹۸) / ۱۵۱۸ (۳۰۲) / ۱۵۸۴-۱۵۸۱ (۳۰۷) / ۱۵۹۰ (۳۰۷) / ۱۶۱۷-۱۶۱۹ (۳۱۰) / ۱۶۲۵-۱۶۳۱ (۳۱۱) / ۱۶۷۴-۱۶۷۷ (۳۱۴) / ۱۹۴۳ (۳۳۳) /  
۲۱۱۳-۲۱۴۴ (۳۴۴-۳۴۷).

### شجاعت

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه شجاعت چنین آمده است: دلیر شدن در کارزار. صفتی است از صفات اربعه جمیله که حد وسط است بین تهوّر و جبن، دلاوری، دل‌داری، دلیری و صاحب‌بأس (دهخدا، ۱۳۷۲). از منظر روان‌شناسی: «شجاعت هم جنبه درونی و هم جنبه بیرونی دارد؛ یعنی شجاعت تنها از فعالیت‌های قابل مشاهده تشکیل نشده است، بلکه شامل تصمیم‌ها، انگیزه‌ها، هیجان‌ها و شناخت‌هایی است که منجر به این فعالیت می‌شوند. بنابراین هر چند بیشتر مثال‌هایی که مطرح شده است؛ شامل نوع فیزیکی و جنگ و مبارزه است، اما همه جنبه‌های شجاعت باید در نظر گرفته شود. هر چند منظور از شجاعت بیشتر دلیری فیزیکی است، ولی شجاعت، صداقت و پشتکار را هم شامل می‌شود. هر فعالیت مشتاقانه برای تسلط بر چیزی که به علت اموری مثل امنیت، آسایش و راحتی، به سادگی می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. منظور، انجام دادن آن چیزی است که درست است حتی زمانی که فرد ممکن است در برابر این عمل چیزهای زیادی را از دست بدهد» (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴؛ به نقل از اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). اقتدار (مبارزه‌جویی)، ثبات (پایداری، سخت‌کوشی) و اخلاقیات (زیبایی‌دوستی، صداقت) از قابلیت‌های آرایه شده برای این فضیلت می‌باشند (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۰). در داستان سیاوش و در بررسی اعمال و گفتار و شخصیت وی، هر جا که ابیات روایت‌گر شجاعت سیاوش می‌رسیم، آن‌ها را نشان اقتدار و پایداری و ثبات و سخت‌کوشی وی می‌یابیم. شجاعت سیاوش در مردانگی و آزادگی و از خودگذشتگی او در گذشتن از خانه و سرزمین خود برای دوری از محیط مسموم دربار و پشت کردن به لذت‌های مدموم و ناپایدار دنیای فانی و پای‌بندی به اخلاقیات و پاکی و صداقت نمود پیدا می‌کند. او نماد صلح در شاهنامه است که با وجود توانایی در جنگاوری از جنگ و پیکار و خون‌ریزی گریزان است. ابیات زیر خصوصیات یاد شده را به وضوح برای خواننده به تصویر می‌کشد:

سیاوش بدو گفت هرگز مباد  
که از بهر دل سر دهم من به باد

چنین با پدر بی‌وفایی کنم  
ز مردی و دانش جدایی کنم

سیاوش چنین گفت کای شهریار  
که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

اگر کوه آتش بود بسپر	ازین تنگ خوارست اگر بگذرم
سیاوش از آن دل پر اندیشه کرد	روان را از اندیشه چون بیشه کرد
به دل گفت من سازم این رزم گاه	به خوبی بگویم بخواهم ز شاه
مگر کم رهایی دهد دادگر	ز سودابه و گفت و گوی پدر
دگر گر از این کار نام آورم	چنین لشکری را به دام آورم
بشد با کمر پیش کاووس شاه	ازین تنگ خوارست اگر بگذرم

(همان: ۲۲۴)

همچنین ابیات زیر نیز بیان گر شجاعت سیاوش هستند:

۴۸۷-۴۸۸(۲۳۵) / ۴۹۵(۲۳۶) / ۶۴۴(۲۴۵) / ۶۶۴(۲۴۶) / ۱۱۹۴(۲۸۰) / ۱۳۵۵-۱۳۵۶(۲۹۰) / ۱۳۶۰(۲۹۱) / ۱۳۹۶-۱۳۹۷(۲۹۳) / ۱۴۱۵-۱۴۱۳(۲۹۴) / ۱۴۲۰(۲۹۴) / ۱۷۹۵-۱۷۹۰(۳۲۳-۳۲۴) / ۱۸۳۱-۱۸۲۵(۳۲۶) / ۱۹۴۸-۱۹۴۷(۳۳۴).

#### انسانیت (نوع دوستی)

فضیلت انسانیت در روان شناسی، با عنوان رفتارهای نوع دوستانه یا جامعه پسند تعبیر می شود. بسیاری از انواع موجودات به نظر می رسد به شیوه هایی رفتار می کنند که بیان گر نوع دوستی است؛ در حالی که بحث هایی در این مورد وجود دارد که رفتارهای نوع دوستانه به دلیل حفاظت خانواده، تبادل اجتماعی و تعهد، به هنجارهای اجتماعی است؛ اما گروهی از نظریه پردازان اشاره کرده اند که انسان ها، گاهی اوقات نوع دوستی را زمانی نشان می دهند که امکان هر گونه پیامد سودمندی بسیار غیرمحمتمل است و به نظر می رسد که هم دلی و هم دردی زیربنای چنین رفتارهای قابل ستایشی است. صرف نظر از دلایل واقعی نوع دوستی و رفتارهای جامعه پسند بین انسان ها، این حقیقت باقی می ماند که انسان ها این توانایی را دارند و حتی گاهی آرزو دارند که در فعالیت های مرتبط با گذشت، مهربانی یا خیرخواهی مشارکت کنند، فعالیت هایی که بر اساس توافق ارزش مند به شمار می آیند و موجب ارتقای معنوی افراد می شود که شاهد این فعالیت ها هستند. (فردریکسون، ۲۰۰۱؛ به نقل از اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۵۶). یکی از ویژگی های مثبت در جامعه، مهربانی نسبت به دیگران است که پیامدهای مثبت روحی و جسمی دارد. در واقع «اگر هدف نهایی ما ارتقای رفاه دیگران باشد، انگیزه رفتار ما نوع دوستی است. انگیزش نوع دوستانه این گونه تعریف می شود: تمایل به بهبود بخشیدن به وضعیت دیگران به خاطر خود آنان و نه به خاطر انگیزه های خود خدمتی پنهان. انگیزه نوع دوستانه از انگیزه های خودخواهانه که آن هم ممکن است رفتار یاری رسانی را موجب شود، متمایز است. انگیزش نوع دوستانه در بسیاری موارد با هیجان هم دلی، یعنی با نشان دادن واکنش هیجانی نسبت به فردی که او را در حال ناامیدی و نیازمندی به کمک می بینیم برانگیخته می شود. این واکنش هیجانی با هم دردی، دل سوزی و خوش قلبی مترادف است» (کار، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸). این ویژگی، احساسی خوشایند برای فرد به ارمغان می آورد (گلی زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). از قابلیت های آرایه شده برای این مقوله می توان از نوع دوستی (آزادگی، مهرورزی، مراقبت، هم دردی)، دوست داشتن (روابط نزدیک ارزش مند با دیگران، مراقبت و مشارکت متقابل) نام برد (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۰). ابیات زیر مهر تأیید دیگری بر یکی دیگر از فضایل اخلاقی سیاوش اعم از آزادگی، مهرورزی، عشق و مهربانی، هم دردی، میهن دوستی و انسانیت و نوع دوستی سیاوش حتی در برابر بدخواهانش است.

سیاوش گو پیلتن را بخواند	وزان داستان چند گونه براند
چو گرسبوز آمد به درگاه شاه	بفرمود تا برگشادند راه
سیاوش ورا دید بر پای خاست	بخندید بسیار و پوزش خواست
ببوسید گرسبوز از دور خاک	رخش پر ز شرم و دلش پر ز باک

سیاوش بنشاندش زیر تخت / وز افراسیابش بپرسید سخت

(همان: ۲۵۶)

سیاوش بدو گفت کز کار تو / پیر اندیشه بودم ز گفتار تو

کنون رای هر دو بر آن شد درست / که از کینه دل را بخواهیم شست

(همان: ۲۵۶)

سیاوش چو آن دید آب از دو چشم / بیارید و زاندیشه آمد به خشم

که یاد آمدش بوم زاولستان / بیاراسته تا به کاولستان

که آمد به مهمانی پیلتن / شده نامداران همه انجمن

از ایران دلش یاد کرد و بسوخت / بگردار آتش همی بفرسخت

ز پیران بپوشید و پیچید روی / سپهد بدید آن غم و درد اوی

(همان: ۲۸۳-۲۸۴)

ابیات زیر نیز به همین مقوله اشاره دارند:

۱۲۳۳-۱۲۲۹ (۲۸۲-۲۸۳) / ۱۲۸۰-۱۲۸۱ (۲۸۶) / ۱۶۹۵-۱۶۹۶ (۳۱۵) / ۱۷۵۳-۱۷۵۱ (۳۲۰) / ۱۹۶۵-۱۹۵۸ (۳۳۴-۳۳۵) / ۲۰۲۳-۲۰۱۵ (۳۳۸) / ۲۰۴۲-۲۰۴۱ (۳۳۹).

### عدالت

فضیلت اصلی عدالت در کل به آن چه زندگی را قابل قبول می‌کند، اشاره می‌کند. معنای آشکار آن شاید تساوی همگانی باشد، اما برای همگان روشن است که زندگی منطبق بر قوانین نیست و اینکه "برخی موجودات بیشتر از سایرین برابری دارند"، از این روست که اجرای اصولی‌تر عدالت، ضرورت دارد؛ به گونه‌ای که قوانین انصاف را عادلانه سازند (اولز، ۲۰۰۱). در جوامع صنعتی غرب، عدالت معمولاً به معنای مساوات ترجمه می‌شود؛ یعنی این باور که پادشاه باید بر اساس همکاری یا شایستگی تقسیم شوند اما این مفهوم خاص از عدالت، یک مفهوم جهانی نیست. فرهنگ‌های اشتراکی هنگام گرفتن تصمیم بر مبنای انصاف، مفاهیم برابری یا نیاز را ترجیح می‌دهند. بنابراین، مصداق‌های عدالت آن‌هایی هستند که در اصل مدنی باشند مانند انصاف، رهبری، شهروندی و کار گروهی (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). این مقوله دارای ویژگی‌های زیر است: شهروندی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وفاداری، کار گروهی)، انصاف (تربیت یکسان دیگران بر اساس اعتقاد به انصاف و عدالت)، رهبری (سازماندهی فعالیت‌های گروهی و نظارت بر انجام کار آن‌ها) (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۲). اگر عدالت را قرار گرفتن هر چیز در جای خود بدانیم آن‌گونه که علی (ع) فرموده‌اند: «العدل یضع الامور مواضعها» (امام علی، ۱۳۹۶: ۵۲۶). در جایی از داستان که سیاوش برای توجیه سودابه محسنات وی را گوش زد می‌کند تا او را فراموش کند، موقعیت سودابه را به وی یادآوری می‌کند و او را با آن همه حسن و زیبایی شایسته شاه می‌داند و بدین وسیله با شیوه مسالمت آمیز سعی در منصرف کردن وی دارد. او همواره نفسانیات را فدای اخلاقیات می‌کند:

سیاوش بدو گفت هرگز مباد / که از بهر دل سر دهم من به باد

چنین با پدر بی‌وفایی کنم / ز مردی و دانش جدایی کنم

تو بانوی شاهی و خورشید گاه / سزد کز تو ناید بدین سان گناه



عدالت‌خواهی سیاوش آنجا جلوه بیشتری دارد که برای نجات جان گروگان‌ها به عهد قبلی خود با پدر پشت می‌کند.

چه باید همی خیره خون ریختن	چنین دل به کین اندر آویختن
سری کهش نباشد ز مغز آگهی	نه از بتری باز داند بهی
قباد آمد و رفت و گیتی سپرد	ورا نیز هم رفته باید شمرد
پسندش نیاید همی کار من	بکوشد به رنج و به آزار من
به خیره همی جنگ فرمایدم	بترسم که سوگند بگرایدم
همی سر ز یزدان نباید کشید	فراوان نکوهش نباید شنید

(همان: ۲۷۰)

او حاضر می‌شود با شکستن پیمان خود با پدر، از خانه و سرزمین خود راهی دیار غربت شود تا هم از ننگ نافرمانی در برابر کیکاووس و هم از کینه نامادری در امان باشد. و این‌گونه بود که برای رهایی از مکر مکاران راهی دیار توران شد و خواستار جنگ با افراسیاب شد.

به دل گفت من سازم این رزم‌گاه	به چربی بگویم بخواهم ز شاه
مگر کهم رهایی دهد دادگر	ز سوداوه و گفست و گوی پـدر

(همان: ۲۴۱)

#### اعتدال و میانه روی (خویشتن داری)

هنگامی که خویشتن‌داری به زبان روان‌شناسی ترجمه می‌شود، تبدیل به خودکارآمدی یا خودتنظیمی می‌شود، یعنی توانایی برای بازبینی و مدیریت هیجان‌ها، انگیزه‌ها و رفتار فرد در غیاب کمک بیرونی. نبود این توان‌مندی به انواعی از مشکلات شدید فردی و اجتماعی منجر می‌شود. هرچند، همه شواهد نشان می‌دهد که افراط و زیاده‌روی بد و ناسالم است، اما بدین معنا نیست هر خویشتن‌داری خوب است. با توجه به جنبه خوب آن، باومیستر و الکساین (۲۰۰۰) اظهار داشتند: داشتن توان‌مندی شخصیتی به معنای داشتن توانایی برای چیزی است که درست و پسندیده و پرهیز از آن نادرست و ناپسند است، می‌باشد. بنابراین، خویشتن‌داری نوعی از خودگذشتگی است که در نهایت برای خود فرد و دیگران سودمند است، احتیاط (دوراندیشی) و تواضع مهم‌ترین موارد از این فضیلت هستند (اسماعیلی ویزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). از ویژگی‌های مطرح برای این مقوله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کنترل رفتار، خودتنظیمی (خویشتن‌داری، داشتن انضباط)، آینده‌نگری (قبول نکردن خطرهای انجام ندادن یا نگفتن چیزهایی که بعداً ممکن است موجب زیان شود)، فروتنی (اعتدال، فرصت دادن به دیگران و همراهی کردن در صحبت) (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۲). سیاوش از جنگ و خشونت و خون‌ریزی گریزان است. او آینه تمام‌نمای انسانی کامل و معتدل و اخلاق‌مدار است. سیاوش آزاده از آن کاملانی است که با تکیه بر ایمان راسخ و فضائل انسانی و ارزش‌های آرمانی، مردانه در برابر وسوسه شیطانی ایستاد. چنین مردی نمی‌تواند به ضد خویشتن‌داری برخیزد و پیمان بشکند، زیرا پیمان شکنان مایه ویرانی و دروغ‌گویان مایه تباهی سراسر کشورند. پیمان شکستن سزوار شه‌ریاران نیست. علاوه بر این، حتی دشمنان نیز می‌دانند پیمان شکنی کار ایرانیان نیست (مسکوب، ۱۳۷۵: ۳۰-۳۲). برای نمونه به بیت‌های زیر در این ارتباط می‌توان اشاره کرد:

نهانی چرا گفت باید سخن  
سیاوش ز پیمان نگردد ز بن

وزین کار کاندیشه کرده‌ست شاه

برآشوبد این نامور پیش‌گاه

(همان: ۲۶۵)

سیاوش به خویشتن خود وفادار می‌ماند. با خویش کاری سیاوش آزاده، عالم صغیر نیز در عالم کبیر منتشر می‌شود. چون او را کشتند خونش در همه رگ‌های گیتی بود. او چون پیمان با افراسیاب اهریمنی را پاس می‌داشت ناچار کار یا خویش کاری زمان او به دنیای اهریمنی نیز راه یافت و پادشاهی افراسیاب را در هم آشفست (مسکوب، ۱۳۷۵: ۳۸). ابیات زیر نیز مؤید همین مقوله می‌باشند: ۲۳۰-۲۳۱(۲۱۸) / ۲۷۸(۲۲۱) / ۵۴۵-۵۴۳(۲۳۸) / ۶۸۳-۶۸۵(۲۴۷) / ۱۰۰۶(۲۶۸) / ۱۰۴۹-۱۰۵۲(۲۷۱) / ۱۱۰۳-۱۱۰۱(۲۷۴) / ۱۲۶۲-۱۲۶۱(۲۸۵) / ۱۲۹۳(۲۸۷) / ۱۳۳۶-۱۳۳۴(۲۸۹) / ۱۳۴۱(۲۹۰) / ۱۳۴۸(۲۹۰) / ۱۴۵۲-۱۴۵۳(۲۹۶) / ۱۵۱۷(۳۰۲) / ۱۵۸۹-۱۵۸۸(۳۰۷) / ۱۶۶۵(۳۱۳) / ۱۸۰۴-۱۸۰۵(۳۲۴) / ۱۸۱۱-۱۸۱۲(۳۲۵) / ۲۰۲۲(۳۳۸) / ۲۰۹۲(۳۴۳).

### تعالی

بر اساس نظر کانت ۱۸۷۱م. تعالی آن است که فراتر از دانش انسانی است و به معنای وسیع، به عنوان پیوند با چیزی برتر در نظر گرفته می‌شود، یعنی باور به این‌که معنا یا هدفی برتر از ما وجود دارد. به بیان دیگر، تعالی متضاد پوچ‌گرایی است، یعنی مخالف این‌که زندگی هیچ معنایی ندارد. مذهب و معنویت، نمونه‌هایی از مفهوم تعالی هستند؛ در حالی‌که مذهب بر خلاف معنویت، ارتباط با اصول نظری را بیان می‌کند، این دو به اعمال و باورهای اشاره دارند که تقدس و احترامی را مد نظر دارند که با واژه‌هایی مانند وجود آسمانی، قدرت برتر، یا حقیقت نهایی بیان می‌شود (جرج، لارسون، کوبینگ و مک گالوک، ۲۰۰۰). نکته حائز اهمیت اینکه آن کسی که لایق تعالی است باید پاک و مقدس و به دور از رنگ و ریا و آلودگی باشد و چنین شخصی شایسته احترام و قدردانی است. از قابلیت‌هایی که برای این مقوله بیان شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تناسبی از زیبایی و عالی بودن (حیرت، شگفتی، برافراشتگی)، تشکر (داشتن آگاهی از چیزها و قدردانی برای چیزهای خوبی که اتفاق می‌افتند)، امید (خوش‌بینی، رو به آینده داشتن)، معنویت (مذهب، ایمان، هدف)، بخشودگی (دادن فرصت دیگری به مردم، نداشتن تمایل به آزارگری)، شوخ طبعی (بازی گوشی، خنده و مزه، دیدن قسمت روشن)، هیجان‌پذیری (سرزندگی، اشتیاق، قدرت و انرژی)، یافتن دیدی وسیع نسبت به جهان (کار، ۲۰۰۴: ۵۵-۵۴). سیاوش مصداق انسانی با ایمان و وفادار است. در برابر وسوسه‌های شیطانی سودابه، ذره‌ای تزلزل به خود راه نداد تا ضمیر پاک خود را نیالاید و در حق پدر، بی‌وفایی نکرده باشد. در راه وفاداری هرگز از تهدید نترسید و در مسیر عقاید استوار خویش، باصلابت هرچه تمام‌تر گام برداشت و صداقت و پاک‌دامنی را پیشه راه خود ساخت. «اینکه سیاوش با وجود آگاهی از سرنوشت خود کوششی برای رهایی خود نمی‌کند، نه تنها از این روست که راه بازگشت به ایران بر او بسته است، بلکه این موضوع با رسالت کیومرثی او به عنوان یکی از نمونه‌های نخستین انسان ارتباط دارد که رویش نوین زندگی از شهادت اوست و این همان رسالتی است که شیعیان درباره شهید کربلا نیز بدان اعتقاد دارند» (خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۹۰). گریختن او از کاووس، گذشتن از گیتی است برای نجات گیتی و مینو و رفتن به توران دل سپردن به مرگ است برای نجات از مرگ (مسکوب، ۱۳۷۵: ۴۰). نشکستن پیمان، نجنبیدن با افراسیاب، نفرستادن گروگان‌ها، نرفتن به نزد کاووس و بازنگشتن به ایران، همه در گره‌گاهی از سیر زندگی او گرد آمدند و او با اراده‌ای که ارزانی هرکس نیست می‌کوشد تا همه این کارها نشود (همان: ۴۲). آشکار است چنین شخصیتی با این ویژگی‌ها در جهان مانند ندارد:

کسی نیست مانند او از مه‌مان

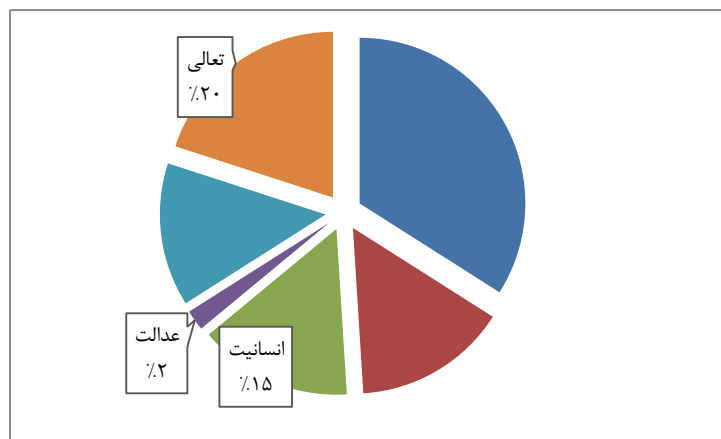
من آیدون شنیدم که اندر جهان

به فرهنگ و رای و به شایستگی

به بالا و دیدار و آهستگی

(همان: ۲۷۶)

ابیات زیر اشاره به فضیلت تعالی در شخصیت سیاوش دارد: ۸۳-۸۶(۲۰۸) / ۱۰۷(۲۰۹) / ۱۳۷(۲۱۲) / ۱۷۸-۱۷۷(۲۱۵) / ۲۳۷-۲۳۶(۲۱۸) / ۴۸۹(۲۳۵) / ۴۹۴-۴۹۱(۲۳۵) / ۵۰۴(۲۳۶) / ۶۵۵-۶۵۳(۲۴۵) / ۶۵۹(۲۴۶) / ۸۹۴(۲۶۱) / ۱۰۱۸-۱۰۰۹(۲۶۸-۲۶۹) / ۱۰۴۶(۲۷۰) / ۱۰۹۹-۱۰۹۸(۲۷۴) / ۱۳۱۳(۲۸۸) / ۱۶۳۴(۳۱۱) / ۱۷۳۷(۳۱۹) / ۱۹۸۷(۳۳۶) / ۱۹۹۴-۱۹۹۱(۳۳۶) / ۲۲۷۱-۲۲۶۹(۳۵۶-۳۵۷) / ۲۲۷۵-۲۲۷۳(۳۵۷).



نمودار آماری فضایل سیاوش بر اساس نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن

### نتیجه‌گیری

بررسی ابیات روایت‌گر اعمال و گفتار و افکار سیاوش نشان‌گر آن است که سیاوش، که همچون نگینی بر حلقه قهرمانان شاهنامه می‌درخشد، اسطوره‌ای سراسر نیکی و فضیلت است. او به‌راستی مصداق بارز و کامل شخصیتی خردمند، شجاع، نوع‌دوست، عادل، خویشتن‌دار و متعالی است. تمام صفات ذکر شده برای وی که تحت عنوان نظریه مثبت‌اندیش سلیگمن بررسی کردیم بیان‌گر آن است که سیاوش تمام این خصایص را در عالی‌ترین درجه در وجود خود دارد. اگر در شرح هر کدام از فضایل از آمار و ارقام استفاده کرده‌ایم، این بدان معنا نیست که به‌عنوان مثال سیاوش با استناد به آمار و ارقام از فضیلت عدالت کم‌تر از فضیلتی هم‌چون انسانیت یا شجاعت برخوردار است بلکه تمام این فضائل در کنار هم و همه به میزان بالا در وجود وی جمع شده است و سیاوش به همان اندازه که شجاعت دارد از عدالت نیز برخوردار است؛ چون این فضائل در کنار هم نمود پیدا می‌کنند و همه در کنار هم متمم وجوه مثبت و متعالی سیاوش هستند. آمار ارائه شده در نمودار بر اساس تعاریف ذکر شده و میزان تطبیق ابیات مرتبط با مضمون آن تعاریف ارائه شده، به‌طوری‌که نمود آن فضیلت در مورد آن ابیات بیشتر بوده است. اما، آن‌همه فضایل که مایه کمال سیاوش و درخشش او بود، موجبات نقصان و ناتوانی او را در جدال با سرنوشت و تقدیر محتوم رقم زد. او که از نیرنگ و ربا و پلیدی به‌دور است، گرفتار همان‌ها می‌شود و جان بر سر عقاید راسخ و فضائل نیک و مثبت انسانی خود می‌بازد. به تعبیری، مرگ او را می‌توان نوعی شهادت به‌شمار آورد چون در هر گامی که برمی‌داشت در صدد جلب رضایت خدا و خلق خدا بود و تمام همت خود را به کار گرفت تا مدینه فاضله‌ای بیافریند که همگان در آن در کمال صلح و آرامش به سر بزنند. مرگ سیاوش هرچند در ظاهر او را می‌کشد، اما در حقیقت روح آزادی و خردمندی، انسانیت و عدالت و شجاعت و تعالی را در گوش زمان فریاد می‌کند.

### منابع

- اسماعیلی، مریم و محمد یزدانی. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی فضایل اخلاقی شش‌گانه در روان‌شناسی مثبت و نهج البلاغه»، فصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، بهار و تابستان، س ۱۱، ش ۲۰، صص ۱۵۷-۱۴۹.
- اشرف‌زاده، رضا و حمیدرضا نویدی مهر. (۱۳۹۵). «اسطوره سیاوش در شعر معاصر فارسی»، فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۷، صص ۱۹۶-۱۷۳.
- امام علی (ع). (۱۳۹۶). نهج‌البلاغه، مترجم حجه الاسلام محمد دشتی، انتشارات نشتا.
- انصاری، محمدباقر. (۱۳۸۶). «بررسی روایی و ساختاری داستان سیاوش»، فصل‌نامه علمی تخصصی، سال اول، شماره چهارم، صص ۸۵-۱۰۳.
- بازرگان، محمد نوید. (بی‌تا). «طرحی در هندسه تراژدی»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، صص ۵۰-۳۹.
- پیرانی، منصور. (۱۳۹۲). «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن»، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، صص ۳۵۷-۳۳۸.
- حسینایی، علی و فاضل فرنوش و جواد سید جعفری. (۱۳۹۳). «تجلی روان‌شناسی مثبت‌نگر در ادبیات فارسی»، اولین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی معنویت و سلامت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۱). «عناصر درام در برخی داستان‌های شاهنامه»، از مجموعه مقالات تن پهلوان و روان‌خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، تهران، طرح نو. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راشد محصل، محمد تقی (بی‌تا). «سیاوش مرد خرد و تدبیر»، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پروتال جامع علوم انسانی، شماره ۸، صص ۲۱۷-۲۳۸.
- سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۲). خوش‌بینی آموخته شده، ترجمه قربانعلی خدایی، همدان: رایین.
- سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۵). از بدبینی به خوش‌بینی (چگونه ذهن و زندگی خود را متحول سازیم)، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: پیکان.

- سلیگمن، مارتین. (۱۳۸۸). روان‌شناسی مثبت‌نگر در خدمت خوش‌نودی پایدار. ترجمه مصطفی تبریزی و دیگران. تهران: نشر دایره. عقداپی، تورج و خدیجه بهرامی رهنما. (۱۳۹۱). «بررسی ساختار تراژیک داستان رستم و اسفندیار»، فصل‌نامه تخصصی زبان و ادب فارسی. ش ۱۲. ص ۶۶-۳۱. عینی، نسرین. (۱۳۹۵). «بررسی عناصر نشانه‌شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان‌شناسی مثبت‌گرا»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانش‌گاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره‌های پیاپی ۲۶ و ۲۷، سال هشتم، صص ۲۷۹-۳۰۹.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر دوم، کالیفرنیا: bibliothecapersica, and in association with mazda publishers. published by the Persian heritage foundation under the imprint of فولادی، محمد. (بی‌تا). «اندیشه‌ای بر ویژگی‌های اخلاقی \_ اجتماعی داستان سیاوش»، بی‌جا، ۱۲۵-۱۴۹.
- قاسمی، نظام‌الدین و مرضیه قریشیان. (۱۳۸۸). «روان‌شناسی مثبت، رویکرد نوین روانشناسی به طبیعت انسان»، تازه‌های روان‌درمانی. ش ۵۱ و ۵۲. صص ۱۱۴-۹۸. کار، آلن. (۱۳۸۵). روان‌شناسی مثبت علم شادمانی و نیروی انسانی، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: سخن.
- گلی‌زاده، پروین و محمد یزدان‌جو و مینا مساعد. (۱۳۹۵). «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال ۱۰، شماره اول، صص ۱۲۸-۱۰۱.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۷۵). سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)، چاپ ششم، تهران: خوارزمی.
- مهرکی، ایرج و خدیجه بهرامی رهنما. (۱۳۹۰). «ساختار تقدیر محور داستان‌های تراژیک»، فصل‌نامه پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰، صص ۷۶-۳۷.
- نصراللهی، یدالله و عاطفه جنگلی. (۱۳۹۲). «بررسی روان‌شناختی داستان سیاوش»، زبان و ادب فارسی، نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، سال ۶۶، شماره مسلسل ۲۲۷.
- یوسفی، غلام‌حسین. (۱۳۷۲). برگ‌هایی در آغوش باد، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.

- Donaldson, S. I. Dollwet, M.A. (2015). Happiness, excellence, and optimal human functioning revisited: Examining the peer-reviewed literature linked to positive psychology. *The Journal of Positive Psychology*, 10(3), p.p.185- 195.
- George, L.K. , Larson, D.B. , Koenig, H.G., & McCullough, M.E.(2000), Spirituality and health: What we know, What we need to know. *Journal Of Social & Clinical Psychology*, 19, 102- 116.
- Hefferon Kate and Ilon Boniwell (2011). *Positive Psychology, Theory, Research and Applications*
- Peterson, G. (2000). The future of optimism. *American psychological*, 55(1), p.p.44-55
- Rawls, John. (2001). *Justice as Fairness: A Restatement*. Cambridge. Harvard University Press.
- Seligman, M. and Csikszentmihalyi, M.(2000). *Positive Psychology- an introduction*. American Psychology.

## **A study of Siavash's personality based on Seligman's theory of positive thinking Abstract**

### **Abstract**

The story of Siavash is one of the prominent and famous stories of the irreplaceable Shahnameh of Hakim Ferdowsi. This venerable story and also the character of Siavash have been studied and analyzed by scholars and Shahnameh scholars from various perspectives for a long time. In the leading research, Siavash's personality has been studied by descriptive-analytical method, focusing on Martin Seligman's theory of positive thinking. In this study, Siavash's personality and his actions, speech and thoughts have been studied based on the six virtues proposed in Seligman's theory (wisdom, courage, humanity, justice, moderation and excellence), and have been adapted to the narrators of Siavash's behavior and speech. The results of the research show that Siavash has all the six virtues mentioned above. However, Siavash's moral virtues do not prevent the occurrence of tragedy in his life, and finally, in spite of all his positive thinking and adornment with all kinds of moral virtues, he died a heartbreaking and heartbreaking death at the height of his youth.

**Keyword:** Siavash, Seligman, positive thinking, wisdom, courage